

تأثیر برجام بر جایگاه راهبردی ایران در نظام بین الملل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰

رضا خلیلی*

محمد بابایی**

کاظم لطفی حاج آباد***

چکیده

هدف اصلی این مقاله، تلاش برای تدوین چارچوبی دقیق و قابل سنجش برای بررسی و تحلیل تأثیر برجام بر جایگاه راهبردی ایران در نظام بین الملل است. در این راستا، با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی موجود و با بهره‌گیری از مدل سوات، به بررسی و سنجش تأثیر برجام بر جایگاه راهبردی ایران در قالب دو محور قدرت-ضعف و تهدید-فرصت پرداخته می‌شود. نتایج و یافته‌ها فرضیه مقاله را مبنی بر اینکه برجام باعث ارتقای جایگاه راهبردی ایران در نظام بین الملل شده است به صورت کمی و دقیق تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: برجام، جایگاه راهبردی، مذاکرات هسته‌ای، نظام بین الملل، ایران.

Rezakhali1@khu.ac.ir

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

*** کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه خوارزمی تهران

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیست و دوم ● شماره دوم ● تابستان ۱۳۹۸ ● شماره مسلسل ۸۴

مقدمه

مذاکرات درخصوص پرونده هسته‌ای ایران که بیش از یک دهه عرصه تعارض و کشمکش میان ایران و قدرت‌های جهانی بود سرانجام پس از حدود دو سال مذاکرات فشرده و سخت میان ایران و ۵+۱، در ۲۳ تیر ماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) با توافق بر سر «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) به پایان رسید. هرچند برجام با عهدشکنی آمریکا در عمل اعتبار اولیه خود را از دست داد و به همان میزان از اثرگذاری مثبت آن هم کاسته شد، اما این توافق به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری آن بر تحولات داخلی ایران و تغییر در مناسبات آن با دوستان، رقبای و دشمنان در منطقه و همچنین به عنوان یک رویداد مهم بین‌المللی که حاصل سال‌ها مذاکره و گفتگو بوده است، همواره می‌تواند به عنوان موضوعی مهم در ترسیم چشم‌انداز آینده ایران در منطقه و جهان قلمداد شود و اهمیت خود را حفظ کند. برجام نماد موفقیت دیپلماسی و مذاکره در سطح بین‌المللی و نماد نظم‌بخشی در منطقه‌ای به شدت ملتهب و متشتت است که نه تنها موقعیت و شرایط کنونی، بلکه حتی آینده سیاسی ایران و منطقه را نیز می‌تواند تحت‌الشعاع قرار دهد. این توافق هم می‌تواند به عنوان عاملی مثبت و در راستای کاهش تنش و تعامل طرفین مذاکره و بهبود جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و هم‌پیمانانش عمل کند و هم می‌تواند منفی و عاملی برای نفوذ یا ایجاد تنش بین طرفین قلمداد شود. در واقع اجرا یا حتی عدم اجرای برجام می‌تواند تأثیر چشمگیری بر وضعیت و جایگاه راهبردی ایران و هم‌پیمانان آن در منطقه داشته باشد و از این‌رو، بررسی دقیق آثار و پیامدهای آن اهمیت بسیاری دارد.

با وجود این میزان اهمیت موضوع و با وجود اینکه مطالب بسیاری در زمینه برجام گفته و نوشته شده است، اما تحقیقاً می‌توان گفت پژوهشی که به صورت کمی و دقیق به تبیین آثار و پیامدهای برجام، به‌خصوص بر جایگاه راهبردی ایران پرداخته باشد، وجود ندارد. اغلب آثاری که در این زمینه وجود دارد یا صرفاً به تحلیل بعد یا ابعادی خاص از موضوع مانند بعد نظامی (بلوچی، ۱۳۹۵)، اجتماعی (صادقی‌جقه، ۱۳۹۵)، علمی و فناوری (کمالی، ۱۳۹۴؛ اخلاقیان، ۱۳۹۶)، اغلب در قالب تحلیل کیفی و بدون توجه به داده‌های کمی پرداخته یا به تأثیر آن بر تحولات سیاست داخلی (کریمی‌مله، ۱۳۹۵) و تجارت خارجی (کمالی اردکانی، ۱۳۹۵) یا حتی به تأثیر آن بر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی (رضاخواه، ۱۳۹۴؛ نوازی، ۱۳۹۴؛ یزدان‌پناه،

۱۳۹۴)، بدون برجسته‌کردن رویکردی راهبردی پرداخته‌اند. در واقع در اغلب آثار موجود به ابعاد راهبردی برج‌ام و میزان تأثیری که در این سطح بر جایگاه و منزلت جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد، پرداخته نشده است. براین اساس، در مقاله حاضر به بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای برج‌ام بر جایگاه راهبردی ایران در نظام بین‌الملل می‌پردازیم. پرسش اصلی این است که برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) چه تأثیری بر جایگاه راهبردی ایران در نظام بین‌الملل داشته است؟ در راستای پاسخ به این پرسش، این فرضیه به آزمون گذاشته می‌شود که «اجرای برج‌ام باعث تقویت جایگاه راهبردی ایران در نظام بین‌الملل شده است.»

تحقیق حاضر از یکسو نیازمند بررسی‌های تاریخی و از سوی دیگر با توجه به آینده‌های محتمل صورت می‌گیرد. بنابراین اطلاعات و داده‌های این تحقیق که به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری می‌شوند هم برگرفته از اسناد و تحلیل‌های تاریخی و هم مبتنی بر تحلیل‌های آینده‌پژوهانه و راهبردی هستند. تکنیکی که برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش استفاده می‌کنیم، چارچوب تحلیل راهبردی مبتنی بر محورهای قدرت-ضعف و فرصت-تهدید موسوم به سوات (SWOT) است، به این معنی که با تحلیل نقاط قوت و ضعف و تهدید و فرصت بر اساس شاخص‌های کمی و مقایسه سال‌های قبل و پس از برجام به بررسی تأثیر آن بر جایگاه راهبردی ایران در نظام بین‌الملل خواهیم پرداخت. در بررسی موضوع ابتدا به بررسی و نقد دیدگاه‌های مختلف در خصوص آثار و پیامدهای برجام پرداخته سپس چارچوبی برای بررسی جایگاه راهبردی و سنجش آن مشخص می‌کنیم و در نهایت با بررسی و مقایسه دوران قبل و بعد از برجام به بررسی تأثیر آن بر ابعاد مختلف جایگاه راهبردی ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ بر اساس الگوی ارائه‌شده می‌پردازیم و تأثیر برجام بر جایگاه راهبردی ایران را به استناد داده‌های به دست آمده مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

الف. آثار و پیامدهای برج‌ام؛ دیدگاه‌ها و نظریات

در بررسی دیدگاه‌ها در خصوص برجام به‌طور کلی با دو گروه از نظریات مواجه هستیم؛ گروه اول نظریاتی هستند که موافق برجام بوده و نتیجه آن را مثبت ارزیابی می‌کنند و گروه دوم

آنهایی هستند که مخالف برجام بوده و آثار و پیامدهای آن را منفی ارزیابی می‌کنند که به تفکیک به آنها می‌پردازیم.

۱. دیدگاه موافقان

از منظر موافقان، برجام توافقی است که به نفع ایران و منطقه است. این گروه، برجام را توافقی راهبردی و دارای ابعاد امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گسترده می‌دانند. از منظر امنیتی معتقدند برجام به همان میزان که می‌تواند دارای وجوه احتمالی تهدیدآمیز باشد، دربردارنده وجوه فرصت‌ساز نیز است؛ زیرا به صورت غیرمستقیم به معنای تعهد قدرت‌های بزرگ به حفظ نظام جمهوری اسلامی به عنوان دولت مسئول اجرای آن است (خلیلی، ۱۳۹۴: ۴۹۰). از این دیدگاه، برجام می‌تواند نقطه پایانی بر امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران تلقی شود و بدین ترتیب ضمن دورشدن سایه جنگ از سر کشور، تحریم‌های ظالمانه که امنیت نظام و جامعه را به مخاطره انداخته بود نیز پایان می‌یابند (دادویی‌نژاد، ۱۳۹۵).

از منظر سیاسی این گروه با تأکید بر اهمیت دیپلماسی به این نکته اشاره می‌کنند که برجام و مذاکرات منتهی به آن به خوبی نشان داد که نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی کارآمد است و از موضع قدرت و بدون توسل به زور و خشونت می‌تواند مشکلات پیچیده خود را حل کند و براین اساس گفته می‌شود برجام حقوق هسته‌ای صلح‌آمیز و مشروع ایران را تثبیت کرد (خلیلی، ۱۳۹۴: ۴۹۱).

موافقان برجام پیامدهای اقتصادی آن را ملموس‌تر از سایر پیامدها می‌دانند؛ زیرا مهم‌ترین اثر توافق هسته‌ای در لغو یا توقف تحریم‌های سازمان ملل، اتحادیه اروپا و آمریکا و به تبع آن بسیاری کشورهای دیگر بوده که با اجرای برجام امکان تحقق دارد و به تبع رفع این تحریم‌ها، نه تنها مراودات و مبادلات تجاری رسمی ایران با سراسر دنیا از سر گرفته شد؛ بلکه قدرت چانه‌زنی طرف ایرانی در خرید و فروش کالا (جنابان، ۱۳۹۵) و میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز افزایش یافت و امکان رونق صنعت گردشگری نیز فراهم شد (اخلاق‌پور، ۱۳۹۵). به باور موافقان برجام، این توافق به واسطه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی که بر وضعیت معیشتی مردم خواهد گذاشت، دارای پیامدهای اجتماعی نیز می‌باشد. مهم‌ترین تأثیر اجتماعی

برجام و مذاکرات منتهی به آن، ایجاد امیدواری در مردم به نظام و دولت برای حل مشکلات است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم باعث افزایش اعتماد آنها به نظام جمهوری اسلامی می‌شود (صادقی جقه، ۱۳۹۵: ۲۵۸).

در سطح منطقه‌ای، موافقان برجام این توافق را زمینه همکاری بیشتر بین ایران و آمریکا در مدیریت مسائل موجود دانسته و بر این باور تأکید کرده‌اند که با افزایش وزن و موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه در نتیجه برجام و در صورت تداوم همکاری‌ها در مسائل دیگر، رابطه خصمانه برخی کشورها مانند اسرائیل و عربستان با ایران نزد سیاست‌مداران آمریکایی و اروپایی نیز می‌تواند بی‌اعتبار یا خنثی شود (رضاخواه، ۱۳۹۴).

پیامدهای بین‌المللی برجام نیز از نگاه موافقان بسیار گسترده است؛ جلوگیری از ایجاد و گسترش رقابت تسلیحاتی هسته‌ای در منطقه، جلوگیری از روند روزافزون گسترش تروریسم بین‌المللی به‌عنوان تهدیدی واقعی برای همه جهانیان و از جمله ایران (Savir, 2015)، تقویت چندجانبه‌گرایی در ساختار نظام بین‌الملل (خلیلی، ۱۳۹۴: ۴۹۹)، تغییر رویکردها و نگاه‌ها به ایران در سطح جهانی و ارائه تصویری جدید و متفاوت از ایران به جهانیان (یزدان‌پناه، ۱۳۹۴) و همچنین پیوستن ایران به اقتصاد جهانی از پیامدهای مهم برجام در این سطح هستند.

۲-۱. دیدگاه مخالفان

در گروه مخالفان برجام نیز دو طیف داخلی و خارجی وجود دارد که هرکدام از نگاه خود به عواقب منفی آن اشاره می‌کنند. گرچه مخالفان برجام همگی آن را منفی ارزیابی می‌کنند؛ اما تفاوتی فاحش بین مخالفان داخلی و مخالفان خارجی وجود دارد. مخالفان داخلی برجام، نتیجه آن را به ضرر ایران و به نفع غرب و متحدان منطقه‌ای آن قلمداد می‌کنند و دلواپس تبعات آن هستند؛ ولی مخالفان خارجی برجام، این توافق را به نفع ایران و به ضرر غرب و منافع متحدان آن ارزیابی می‌کنند.

مخالفان داخلی برجام معتقدند این توافق باعث تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران و تنزل جایگاه منطقه‌ای و جهانی آن خواهد شد. این طیف از نظریات بیشتر حول محور رویکرد امنیتی می‌چرخد و معطوف به گسترش نفوذ آمریکا و سایر دشمنان ایران به درون ساختار نظام

جمهوری اسلامی است. آنها برجام را توافقی می‌دانند که در آینده عواقب زیان‌باری در ابعاد امنیتی، سیاسی، اقتصادی و راهبردی گریبان‌گیر کشور خواهد کرد و معتقدند آمریکا با این توافق از یک طرف برنامه هسته‌ای روبه‌پیشرفت ایران را متوقف کرده است و از سوی دیگر به واسطه اطلاعاتی که از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از مراکز و تأسیسات هسته‌ای و حتی غیرهسته‌ای به دست می‌آورد، می‌تواند در آینده با اطلاعات دقیق‌تر وارد عملیات نظامی علیه ایران شود (متقی، ۱۳۹۴).

از منظر سیاسی، دغدغه مخالفان برجام بیشتر حول محور نفوذ و تغییر فضای سیاسی داخلی متمرکز است. طرف‌داران این نگرش با استناد به برداشت آقای روحانی که برجام را به‌عنوان الگویی برای حل و فصل مشکلات داخلی و بین‌المللی معرفی نمود و از برجام‌های دو و سه یاد کرد (ر.ک: روحانی، ۱۳۹۵)، ابراز نگرانی می‌کنند که نکند دولت و اصلاح‌طلبان با تحت فشار قرار دادن رهبری، از فضای پس‌برجام برای دادوستد بر سر اصول اساسی و بنیادی نظام بهره‌جویند (ر.ک: خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۳۵-۱۳۳).

از لحاظ اقتصادی، مخالفان برجام با ساختاری اعلام‌کردن مشکلات اقتصادی کشور، معتقدند اجرایی‌شدن برجام به ضرر تولیدکنندگان داخلی تمام می‌شود (عباسی، ۱۳۹۵)؛ زیرا بنا به گفته کارشناسان اقتصادی، پس از برجام هزینه واردات کالا حداقل ۲۰ درصد کاهش یافت (لیلاز، ۱۳۹۵) و این امر به نفع واردکنندگان خواهد بود و از آنجاکه کالاهای مصرفی در سبد واردات کشور سهم عمده‌ای دارند، این قضیه به ضرر تولیدکنندگان داخلی تمام می‌شود. بنابراین پس از برجام نه تنها مشکلات اقتصادی جامعه حل نمی‌شود، بلکه این مشکلات ابعاد جدیدی نیز می‌یابند که افزایش جمعیت بیکار و خروج سرمایه از کشور از بدیهی‌ترین آثار آن خواهد بود.

از منظر پیامدهای فنی و حقوقی، مخالفان معتقدند متن برجام بسیاری از خطوط قرمز نظام را که پیش‌تر مقام معظم رهبری و سایر سران نظام بر آن تأکید می‌ورزیدند، نادیده گرفته است (جلیلی، ۱۳۹۴). آنها همچنین معتقدند قرارگرفتن ایران در موضعی به مراتب ضعیف‌تر نسبت به سایر طرفین در برجام (متقی، ۱۳۹۴)، یکسان‌پنداشتن اهمیت همه سایت‌های هسته‌ای ایران نزد گروه مذاکره‌کننده هسته‌ای (محمدی، ۱۳۹۳) و بی‌توجهی به قابلیت راهبردی و بازدارنده

سایت فردو باعث شده است که نطنز به‌عنوان تنها مرکز غنی‌سازی برای ایران در نظر گرفته شود و در مواقع بحرانی جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه مرکز راهبردی دارای قابلیت بازدارندگی در اختیار نداشته باشد (متقی، ۱۳۹۴).

جبهه مخالفان خارجی برجام به‌طور مشخص از عربستان و برخی کشورهای جنوب خلیج فارس، اسرائیل و جمهوری خواهان در ایالات متحده تشکیل شده است. دلایل مخالفت این گروه ماهیتی بسیار متفاوت از دلایل مخالفان داخلی برجام دارد. اینان بیشتر از آن واهمه داشته‌اند که برجام باعث قدرتمند شدن ایران در منطقه و جهان شود و بدین ترتیب گزینه‌های نظامی که پیش از این به‌عنوان ابزاری برای مقابله با ایران بودند، بی‌فایده تلقی شوند.

مخالفت و موضع خصمانه رژیم صهیونیستی در خصوص برجام، از زمان علنی شدن مذاکرات هسته‌ای تا پذیرش برجام و حتی پس از آن، از سوی مسئولین این رژیم بارها تکرار شد. عنوان «توافق بد» که معطوف به امنیت رژیم صهیونیستی و منطقه و پیشرفت هرچه سریع‌تر ایران در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای بود، محور ثابت اظهارات نتانیا هو علیه توافق هسته‌ای بوده است (Goldenberg and Golov, 2015; Herzog, 2015).

دیدگاه و استراتژی عربستان در خصوص برجام به‌نوعی برخاسته از ماهیت تاریخی و راهبردی رقابت‌های ایران و عربستان در خاورمیانه است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۸۱). از ابتدای مطرح شدن موضوع هسته‌ای ایران، عربستان همواره مخالفت خود را از دو منظر مطرح می‌کرد، اول آنکه ایران هسته‌ای می‌تواند توازن قوای منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهد و این موضوع باتوجه به تقویت مواضع و جایگاه ایران در عراق، لبنان و فلسطین حائز اهمیت فراوانی است. موضوع دیگر نگرانی‌های زیست‌محیطی است؛ زیرا در صورتی که حادثه‌ای برای نیروگاه اتمی بوشهر رخ دهد، کشورهای حاشیه خلیج فارس آسیب‌های زیادی متحمل می‌شوند، به‌ویژه آنکه این کشورها جهت تأمین بخشی از آب شرب خود به خلیج فارس وابسته هستند (نادری‌نسب، ۱۳۸۹: ۳۳۲). در این خصوص عربستان نه تنها به‌صورت مستقل، بلکه در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس نیز در مقاطع مختلف به اتخاذ موضع علیه برنامه هسته‌ای ایران پرداخته است (صفاری، ۱۳۹۴: ۳۷).

مواضع حزب جمهوری خواه آمریکا در قبال برجام به گونه ای با منفی ارزیابی کردن آن برای منافع آمریکا در منطقه و جهان همراه بوده است. آنها معتقدند برجام وزن و جایگاه راهبردی ایران را افزایش داد و باعث شد استراتژی گذشته آمریکا دیگر در قبال ایران پسابرجامی جواب ندهد. از دیدگاه این افراد برجام نه تنها جلوی هسته ای شدن ایران را نمی گیرد؛ بلکه باعث می شود از یک سو ایران توان هسته ای کنونی خود را به مدت ۱۵ سال آینده حفظ کند و از سوی دیگر آمریکا را ناگزیر می کند نظام کنونی ایران را تا ۱۵ سال آینده تحمل و حفظ کند. در واقع به باور آنها برجام ضمن حفظ توان هسته ای ایران از یک سو باعث افزایش پرستیژ این کشور در منطقه می شود و از سوی دیگر با دسترسی ایران به منابع مالی آزاد شده اش و امکان انجام مراودات مالی جهانی، دست حکومت ایران را برای تهیه موشک های دوربرد، توسعه و تقویت توان تهاجمی و حمایت از گروه های تندرو هم راستا با منافع ایران باز خواهد گذاشت. از این دیدگاه برجام باعث شد متحدان دیرینه و راهبردی آمریکا در منطقه نه تنها از دست دولتمردان این کشور عصبانی شوند؛ بلکه با ارزیابی این توافق به عنوان عاملی برای تضعیف تضمین های امنیتی آمریکا به آنها و تغییر در خط مشی امنیتی چند ده ساله آمریکا در منطقه، احساس کنند که این کشور به آنها خیانت کرده است. به همین دلیل آنها معتقدند برجام اصلاً به سود آمریکا نیست و هرچه سریع تر باید جلوی اجرای آن گرفته شود (Conway, 2015).

با وجود اینکه موافقان و مخالفان برجام هریک از زاویه دید خود ابعاد مختلف این توافق را آشکار کرده و منافع و مضار آن برای ایران و کشورهای طرف توافق را مشخص کرده اند، اما اغلب این دیدگاه ها و نظرات یا چنان به صورت کلی و بدون استناد به آمار و ارقام قابل اتکا به بیان دیدگاه خود پرداخته یا به واسطه ورود به جزئیات و تمرکز بر نگاه بخشی اساساً از درک ماهیت راهبردی موضوع غافل شده اند (ر.ک: خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۳۶-۱۳۲). براین اساس به نظر می رسد بررسی موضوع در چارچوب جایگاه راهبردی و با رویکرد کمی و دقیق به عنوان وجه ممیزه این پژوهش که هم به ماهیت جامع و کلی آثار و پیامدهای برجام توجه دارد و هم هریک از ابعاد و زوایای موضوع را در جایگاه خود و در ارتباط با دیگر ابعاد و زوایا به صورت دقیق بررسی می کند، چارچوب مناسبی برای درک جامع و در عین حال دقیق آثار و پیامدهای برجام باشد.

ب. جایگاه راهبردی؛ چارچوبی برای سنجش و تحلیل آثار و پیامدهای برجام موقعیت یا جایگاه راهبردی وضعیتی است که به نسبت شرایط زمانی، مکانی و تدارکاتی ایدئال، برای هر کشور شکل می‌گیرد. براین اساس باید ببینیم برجام چه تأثیری بر جایگاه راهبردی ایران در نظام بین‌الملل داشته است.

۱-۲. چارچوب سنجش جایگاه راهبردی

گرچه برای سنجش جایگاه راهبردی کشورها مدل خاصی وجود ندارد، اما از یک سو مدل‌های مختلفی برای محاسبه قدرت ملی (زرقانی، ۱۳۸۹: ۱۵۷؛ Tellis, & Others, 2000: 2-28) به‌عنوان یکی از عناصر بنیادین جایگاه راهبردی وجود دارد و از سوی دیگر مدل‌های مختلفی برای برنامه‌ریزی راهبردی نیز وجود دارد که در این پژوهش سعی می‌شود از ترکیب آنها به مدلی برای سنجش جایگاه راهبردی دست یابیم. در واقع مدلی که از آن برای سنجش جایگاه راهبردی استفاده می‌کنیم یک مدل چندمتغیره ابتکاری و منحصر به فرد است که با تلفیقی از مدل‌های چندمتغیره سنجش قدرت ملی و روش امتیازدهی بر اساس ماتریس سوات (SWOT) به‌دست آمده است. سوات سرواژه عبارات قوت‌ها (Strengths)، ضعف‌ها (Weaknesses)، فرصت‌ها (Opportunities) و تهدیدات (Threats) است. تحلیل سوات از ابزارهای تدوین استراتژی است که به کمک آن می‌توان اول اینکه، به تجزیه و تحلیل محیط‌های داخلی و خارجی پرداخت و دوم اینکه، تصمیماتی راهبردی اتخاذ نمود که قوت‌ها را با فرصت‌های محیطی متوازن سازد (عالمی، ۱۳۹۳). با بهره‌گیری از این مدل و باتوجه به اهمیت پنج عامل نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و علمی و فناوری، جایگاه راهبردی در قالب مدلی مانند آنچه در زیر نشان داده شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد:



برای ارزیابی جایگاه راهبردی در قالب این ابعاد باید شاخص‌هایی را در نظر بگیریم. براین اساس در مجموع پانزده شاخص که بر اساس نظر خبرگان دارای بیشترین وزن بودند را در پنج بُعد مورد بررسی قرار می‌دهیم. بعد نظامی شامل سه شاخص امنیت ملی^۱، صلح جهانی^۲ و نظامی شدن^۳؛ بعد اقتصادی شامل سه شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP)^۴، درصد جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۵ و میزان تورم^۶؛ بعد سیاسی شامل سه شاخص ثبات سیاسی و امنیت^۷، میزان کارایی و اثربخشی دولت^۸ و کیفیت قدرت نرم^۹؛ بعد اجتماعی شامل سه شاخص سلامت عمومی، سطح آموزش و سرمایه اجتماعی و درنهایت بعد علمی و فناوری نیز شامل سه شاخص تعداد مقالات و مجلات علمی و فنی منتشرشده^{۱۰}، میزان بهره‌وری و تأثیرگذاری علمی دانشمندان کشور در جهان^{۱۱} و صادرات کالاهای با تکنولوژی بالا^{۱۲} است.

۲. سنجش و تحلیل جایگاه راهبردی

شاخص‌های مذکور در چارچوب ماتریس سوات و روش ارائه‌شده در این پژوهش مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. همان‌گونه که اشاره شد ماتریس سوات مبتنی بر دو محور افقی و عمودی است که محور افقی بیانگر میزان قوت و ضعف هر کشور و محور عمودی نشان‌دهنده میزان فرصت‌ها و تهدیدهای آن است. برای اینکه بتوانیم جایگاه راهبردی ایران را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهیم، برای هر یک از این محورها باید از چارچوب و فرمول خاصی استفاده کنیم. نحوه سنجش در محور افقی ماتریس سوات که به محور قدرت-ضعف مشهور است، بر اساس رتبه کشورها می‌باشد. به این صورت که رتبه کشور مدنظر را در مقایسه با

-
1. National security
 2. Global peace
 3. Militarization
 4. Gross Domestic Products (GDP) per capita
 5. Foreign direct investment
 6. Inflation rate
 7. Political stability
 8. Government effectiveness
 9. Soft power quality
 10. Scientific & technical articles
 11. Citable documents H index
 12. High-tech exports

مجموع کشورهای مورد بررسی در جهان به دست آورده سپس سهم درصد رتبه کشور مدنظر را محاسبه می‌کنیم و در نهایت میانگین سهم درصدهای به دست آمده از مجموع شاخص‌های هر سال را به عنوان درصد کل آن سال محاسبه می‌کنیم.

سنجش محور عمودی ماتریس سوات که نشان‌دهنده میزان تهدیدها و فرصت‌هاست نیز بر اساس مقایسه تهدیدات و فرصت‌های ایران نسبت به دیگر کشورهای خاورمیانه (به عنوان محیط پیرامونی امنیت ملی) صورت می‌گیرد. بر این اساس رتبه ایران را در مقایسه با شانزده کشور منطقه خاورمیانه بر اساس هر شاخص مورد بررسی قرار می‌دهیم سپس از مجموع رتبه‌های به دست آمده از شاخص‌ها، رتبه سالانه ایران را به دست آورده و در آخر رتبه مدنظر را به صورت سهم درصدی محاسبه می‌کنیم.

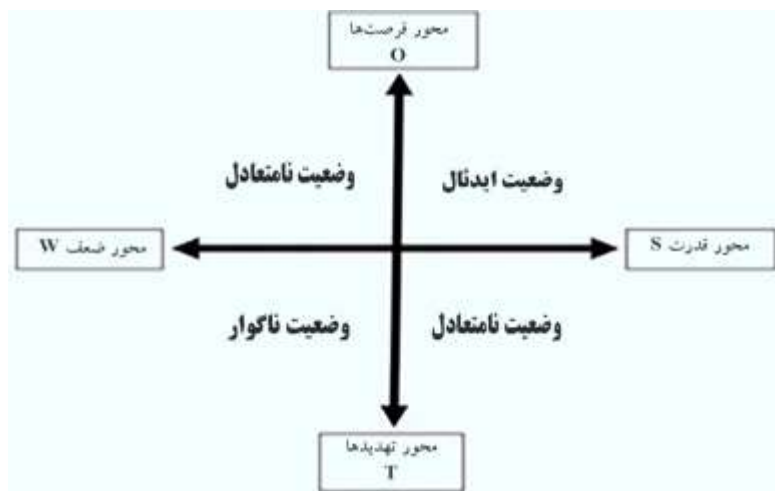
با مشخص شدن نحوه امتیازدهی به رتبه کشورها در ماتریس سوات، برای اینکه بتوانیم به رتبه‌های سهم درصدی شده کشورها در محورهای افقی و عمودی ماتریس امتیازدهی کنیم، باید مکانیزمی فراهم آوریم که بتواند این رتبه‌ها را بر اساس فرایندی یکسان و جامع امتیازدهی کند. بر این اساس عدد سهم درصدی شده از مجموع فاکتورهای سالانه را به عنوان رتبه کلی کشورها به ترتیب جدول زیر امتیازدهی می‌کنیم:

مکانیزم امتیازدهی جایگاه راهبردی کشورها بر روی ماتریس SWOT										
جزو ۵۰ درصد دوم کشورهای مورد بررسی بودن نشان‌دهنده ضعف و تهدید است T & W					جزو ۵۰ درصد اول کشورهای مورد بررسی بودن نشان‌دهنده قدرت و فرصت است S & O					
۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	درصد
تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	۱۰۰
۰	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	
-۵	-۴	-۳	-۲	-۱	۱	۲	۳	۴	۵	امتیاز
میزان امتیاز بر اساس سهم درصد به دست آمده از مجموع کل کشورهای مورد بررسی										

بر اساس این جدول اگر عدد سهم درصد به دست آمده هر کشور نسبت به مجموع کشورهای مورد بررسی بیشتر از ۵۰ درصد باشد، در محور افقی نشان‌دهنده قدرت و در محور عمودی نشان‌دهنده فرصت است و نمره تعلق گرفته به آن به صورت مثبت (از ۱ تا ۵) محاسبه می‌شود و اگر رتبه و عدد سهم درصد آن کشور کمتر از ۵۰ درصد کشورهای مورد بررسی باشد،

در محور افقی نشان‌دهنده ضعف و در محور عمودی نشان‌دهنده تهدید است و به صورت منفی (از ۱- تا ۵-) محاسبه می‌شود.

روش ارزیابی داده‌ها در ماتریس سوات نیز بر اساس قرارگیری تابع حاصل از داده‌های هر کشور بر روی منحنی سوات است که هم جایگاه راهبردی کشور و هم راهبردهای آن را برای آینده مشخص می‌کند. باتوجه به نمودار زیر قرارگیری تابع در بخش SO بیانگر وضعیت ایدئال است و کشور باید با بهره‌گیری از توان خود، حداکثر استفاده از رویدادها و فرصت‌های پیش رو را بنماید. قرارگیری تابع در بخش WO بیانگر وضعیت نامتعادل است و در این شرایط کشور مدنظر باید از فرصت‌های منطقه‌ای خود برای ارتقای جایگاه و موقعیت خویش بهره برد و با استفاده از پتانسیل نهفته به جبران ضعف‌ها پردازد. قرارگیری تابع در بخش ST بیانگر وضعیت نامتعادل است. بنابراین در این وضعیت کشور باید از راهبردهای رقابتی جهت ارتقای موقعیت خود در خصوص رقبا بهره برد و برای به حداقل رساندن تهدیدات و عقب‌نماندن از رقبا بر نقاط قوت خود بیشتر سرمایه‌گذاری نماید و در نهایت قرارگیری تابع در بخش WT بیانگر وضعیت وخیم و ناگوار است و کشور باید در این شرایط ضمن فائق آمدن بر ضعف‌های ساختاری خود، از ایجاد هرگونه تنش نسبت به رقبا نیز خودداری کند؛ زیرا از لحاظ خارجی در بدترین شرایط قرار دارد.

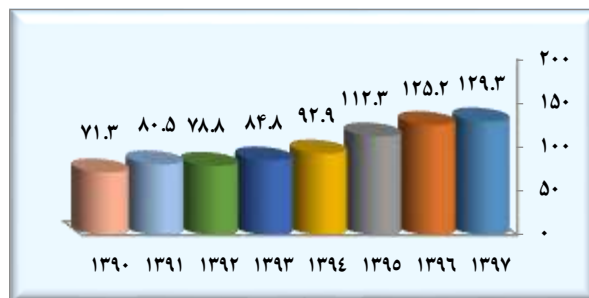


۳. سنجش و تحلیل جایگاه راهبردی ایران قبل و پس از برجام

هرچند مقایسه دوران قبل و پس از توافق هسته‌ای بر اساس چارچوب پیشنهادی به‌خودی‌خود می‌تواند نشان دهد انعقاد برجام چه تأثیری بر جایگاه راهبردی ایران داشت، اما از آنجاکه در سال ۱۳۹۷ شاهد خروج آمریکا از برجام بودیم، مقایسه وضعیت جدید با ادوار پیشین نیز می‌تواند نشان دهد که نبود برجام چه تأثیری بر جایگاه راهبردی ایران خواهد داشت. در این راستا پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و علمی و فناوری را در طول دوران هشت ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ با استفاده از منابع مربوط به شاخص‌های تعیین‌شده (Legatum, 2016; Visionofhumanity, 2016; Heritage, 2016; Unctad, 2016; Scimajor, 2016; Globalinnovationindex, 2016; Knoema, 2016) مورد ارزیابی قرار می‌دهیم تا به تأثیر برجام بر هر بعد و درنهایت بر جایگاه راهبردی ایران پی ببریم.

۱. بعد نظامی

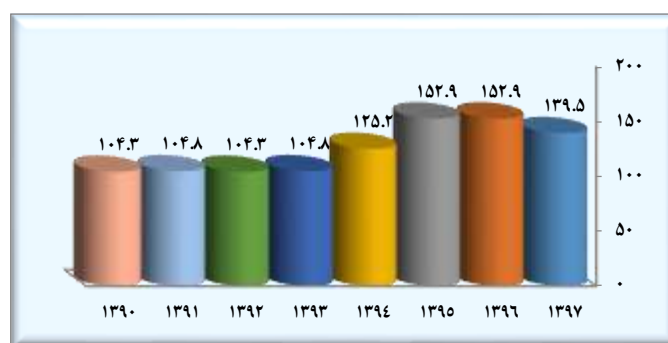
بررسی بعد نظامی جایگاه راهبردی ایران در محور قدرت-ضعف طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که در دوره قبل از برجام به‌دلیل اثرگذاری تحریم‌ها روند روبه‌رشد ایران کند و حتی در سال ۱۳۹۲ کاهشی بود، اما از سال ۱۳۹۳ و با اعلام توافق ژنو شاهد سیر صعودی امتیازات ایران در بعد نظامی هستیم که این سیر صعودی به‌گونه‌ای پیش رفته است که امتیاز ایران در سال ۱۳۹۵ حتی بسیار بیشتر از دوران قبل از تحریم‌ها شد. در نمودار شماره ۱ روند تحول امتیاز محور قدرت-ضعف بعد نظامی مشخص شده است:



نمودار ۱. میانگین امتیاز بعد نظامی محور قدرت-ضعف در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷

اعلام توافق و اجرای برجام نه تنها این شرایط را تغییر داد؛ بلکه به طور خاص و مستقیم با برداشتن تحریم‌های نظامی و به طور غیرمستقیم از طریق آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده ایران و استفاده بخشی از آنها برای تقویت بنیه نظامی کشور (بلوجی، ۱۳۹۵: ۵۰۲) باعث افزایش حضور نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در سوریه و تغییر موازنه قدرت به نفع بشار اسد و تثبیت جایگاه ایران و محور تهران-مسکو در تحولات این کشور شد و تحکیم جایگاه ایران در موازنه قدرت منطقه‌ای را به دنبال داشت (نوازنی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷). این وضعیت حتی با خروج آمریکا از برجام نیز به دلیل آنکه دفاع نظامی در صدر اولویت‌های امنیت ملی قرار گرفت همچنان تداوم یافت، هرچند در صورت تداوم فشارها و تحریم‌ها آثار منفی‌شان بر این بعد در آینده بیش از پیش آشکار خواهد شد.

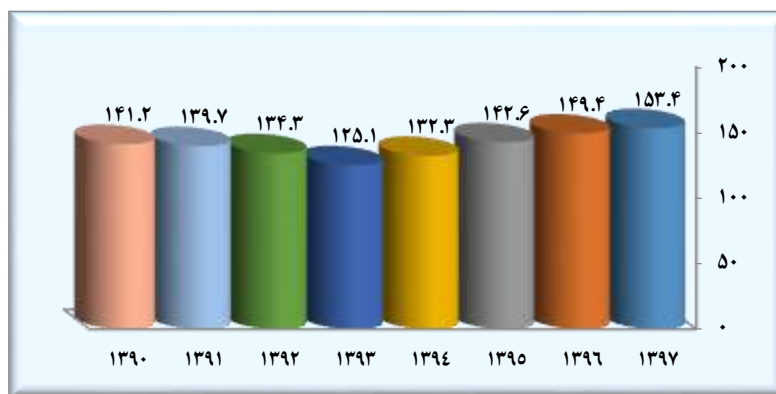
انعقاد برجام همچنین باعث شد امتیاز مشارکت ایران در شاخص جهانی صلح نیز رشد درخور توجهی داشته باشد و در سال ۱۳۹۵ تقریباً به دو برابر سال ۱۳۹۰ برسد. جدای از پیشرفت مذاکرات هسته‌ای در عالی‌ترین سطوح دیپلماتیک و انعقاد برجام، آنچه توانست در افزایش مشارکت و امتیاز ایران مؤثر باشد حضور ایران در مذاکرات بین‌المللی در خصوص حل بحران سوریه بود (عیوضی، ۱۳۹۵؛ ترابی و محمدیان، ۱۳۹۴: ۷۶) که فرصت آن پس از برجام برای ایران مهیاتر شد. براین اساس در محور تهدید-فرصت بعد نظامی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ نیز همان‌گونه که در نمودار شماره ۲ می‌توان دید، شاهد افزایش امتیازات ایران به ویژه در دو سال پس از انعقاد برجام بودیم که البته این روند از سال ۱۳۹۷ و با خروج آمریکا از برجام بار دیگر با نزول درخور توجهی روبرو شده است:



نمودار ۲. میانگین امتیاز بعد نظامی محور تهدید-فرصت در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷

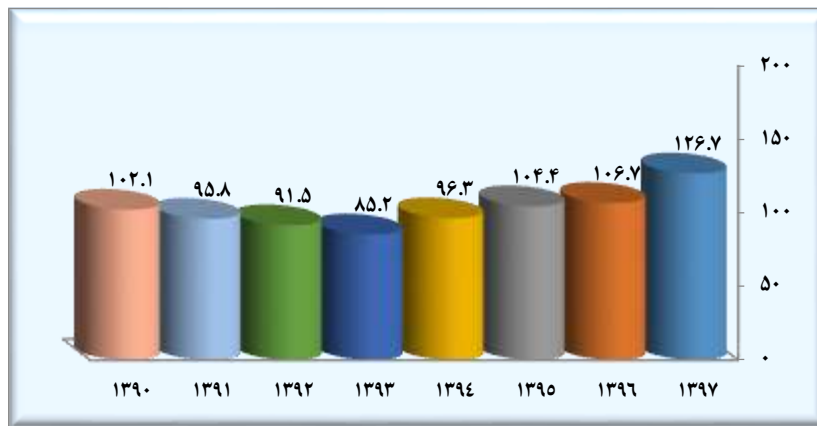
۲. بعد اقتصادی

بررسی محور قدرت- ضعف بعد اقتصادی جایگاه راهبردی ایران حاکی از آن است که امتیازات ایران در این بعد طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ به دلیل تأثیر تحریم‌ها بر اغلب بخش‌های اقتصادی ایران، دارای سیر نزولی بود. تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران به حدی بود که تقریباً تمامی بخش‌های اقتصاد، حتی مواردی که تحت تحریم نبودند نیز عملاً درگیر تحریم‌ها شدند (شاپوری، ۱۳۹۵: ۴۹) و حتی بان کی مون، دبیرکل وقت سازمان ملل آن را به‌عنوان اقدامی ضد حقوق بشری ارزیابی کرد (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). افت تمامی شاخص‌های اقتصادی و افت امتیاز بعد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ و بهبود نسبی شرایط و رشد تدریجی امتیازات پس از برجام در نمودار زیر مشخص شده است:



نمودار ۳. میانگین امتیاز بعد اقتصادی محور قدرت-ضعف در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷

نمودار شماره ۳ نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ که معادل زمانی پس‌ابرجام تلقی می‌شود، امتیاز بعد اقتصادی ایران افزایش یافت و از میانگین سال ۱۳۹۰ و قبل از تحریم‌ها نیز فراتر رفت (کمالی اردکانی، ۱۳۹۵: ۱۶۰)، هر چند به احتمال زیاد در سال ۱۳۹۸ به وضعیتی حتی بدتر از سال ۱۳۹۳ برسد. روند تحول شرایط اقتصادی ایران قبل و پس از اجرای برجام را در امتیازات محور تهدید-فرصت بعد اقتصادی نیز در نمودار شماره ۴ می‌توان مشاهده کرد:



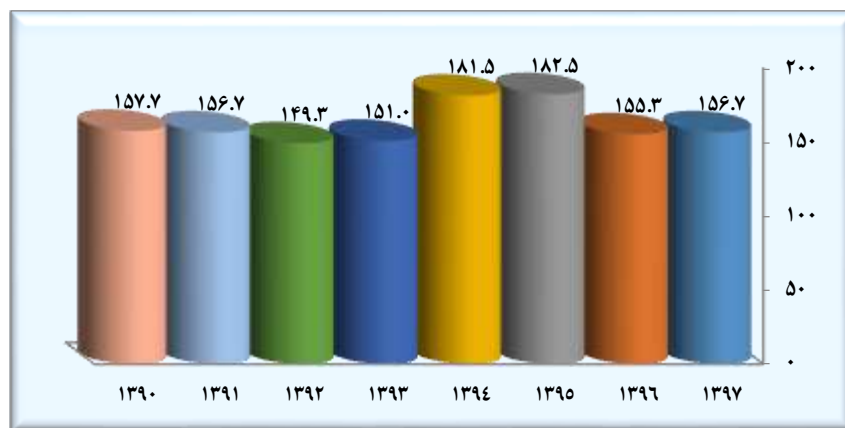
نمودار ۴. میانگین امتیاز بعد اقتصادی محور تهدید-فرصت در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷

۳. بعد سیاسی

در بررسی محور قدرت-ضعف بعد سیاسی جایگاه راهبردی ایران شاهد کاهش امتیازات طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ بودیم که این کاهش امتیازات هم‌راستا با ابعاد دیگر و به‌ویژه تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران بود. در این دوره کشورهای تحریم‌کننده ایران با اقدامات تحریمی خود بیشترین تأثیر را بر شاخص اثربخشی دولت گذاشتند و به جامعه و ملت ایران این‌گونه القا کردند که دولت در کنترل و مدیریت کشور ناتوان است. امتیاز شاخص ثبات سیاسی ایران نیز در اوج مذاکرات وین در کمترین حد ممکن در پنج سال آخر قرار داشت؛ به‌گونه‌ای که حتی برخی معتقد بودند ایران در شرایطی قرار ندارد که بتواند در مقابل قدرت‌های جهانی به چانه‌زنی پرداخته و به شکل قابل قبولی منافع حیاتی خود را تأمین نماید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵: ۱۱)، اما برجام نه‌تنها فصل نوینی از صحیفه قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران را گشود؛ بلکه نویدبخش حیات سیاسی تازه‌ای شد و الگویی کارآمد از نظام جمهوری اسلامی برای تنظیم ترتیبات و صف‌آرایی‌های سیاسی آفرید (کریمی، ۱۳۹۵: ۲۱۶).

تا پیش از اجرای برجام تشدید فشارها و تحریم‌های اعمال‌شده قدرت چانه‌زنی و دیپلماسی ایران را در جهان کاهش داده بود و روابط خارجی جمهوری اسلامی به

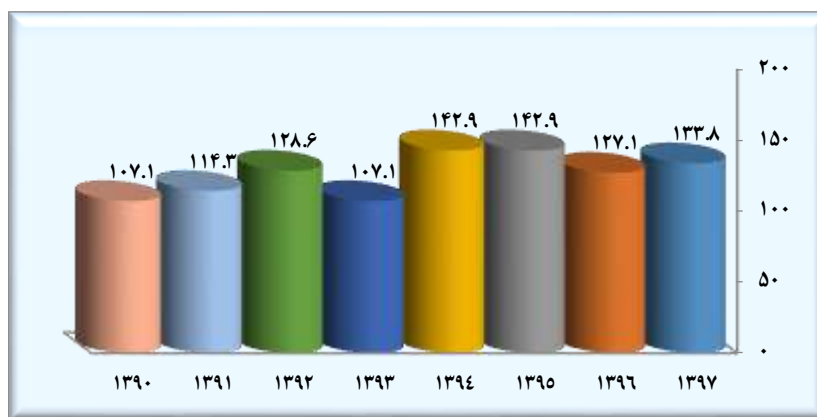
کشورهایی خاص محدود شده بود، ولی با تحقق و اجرای برجام، جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی ارتقا و وزن دیپلماسی کشور در معادلات سیاسی و بین‌المللی، به‌ویژه در بحران‌های منطقه‌ای افزایش یافت (نوازی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴). البته مسیر همکاری کشورهای عضو برجام از همان آغاز، مسیری سهل و هموار نبود (دلخوش، ۱۳۹۶: ۵۳)، اما با وجود همه مشکلات و کارشکنی‌ها در مسیر اجرای برجام، همچنان که در نمودار شماره ۵ نیز نشان داده شده است، شاهد افزایش امتیاز محور قدرت - ضعف بعد سیاسی طی سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ بودیم، روندی که البته از سال ۱۳۹۶ با بالاگرفتن منازعات بر سر ماندن یا خروج آمریکا از برجام و درنهایت خروج یک‌جانبه آن از این توافق دوباره با کاهش چشمگیری مواجه شد:



نمودار ۵. میانگین امتیاز بعد سیاسی محور قدرت - ضعف در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷

برجام در محیط داخلی ایران نیز تأثیرگذار بود؛ ارتقای جایگاه و منزلت ملی، افزایش حس غرور ملی ایرانیان، افزایش امیدواری و ارتقای اعتماد سیاسی نهادی، افزایش همبستگی میان جریان‌ها و جناح‌های سیاسی معتدل و میانه‌روی درون نظام و کمک آن به فرایند ضروری، دشوار و هزینه‌بر «امنیتی‌زدایی» از سپهر عمومی جامعه را می‌توان از دستاوردهای داخلی برجام ارزیابی کرد (کریمی، ۱۳۹۵: ۲۲۰-۲۱۶). همچنین اجرای برجام باعث ارتقای اهمیت راهبردی

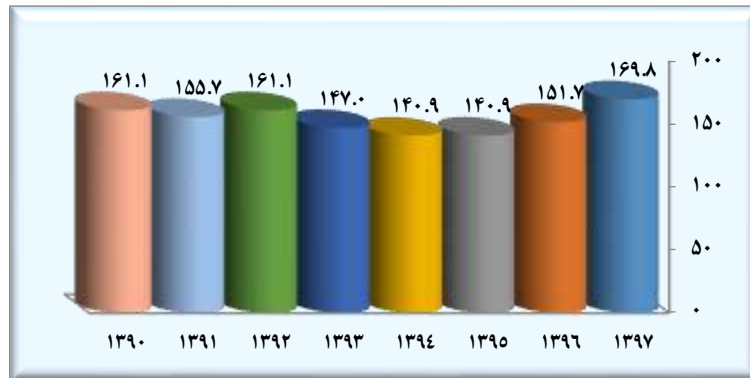
ایران نزد متحدان منطقه‌ای مثل سوریه، عراق و حزب‌الله لبنان شد و حل معضل راهبردی بین ایران و قدرت‌های بزرگ نشانه اقتدار، نقش‌آفرینی و قدرت چانه‌زنی ایران در مسائل منطقه‌ای، از جمله بحران سوریه تفسیر شد (نوازنی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵). براین اساس، همچنان که در نمودار شماره ۶ نشان داده شده است، در شرایطی که اوضاع سیاسی کشورهای منطقه بعد از پشت‌سرگذاشتن امواج بهار عربی روبه‌بهبود بود نیز امتیازات محور تهدید-فرصت بعد سیاسی جایگاه ایران نسبت به رقبای طی سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ افزایش یافت و حتی افزایش فشارهای بین‌المللی و خروج آمریکا از برجام نیز آن را به سطح قبل از توافق برنگرداند:



نمودار ۶. میانگین امتیاز بعد سیاسی محور تهدید-فرصت در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷

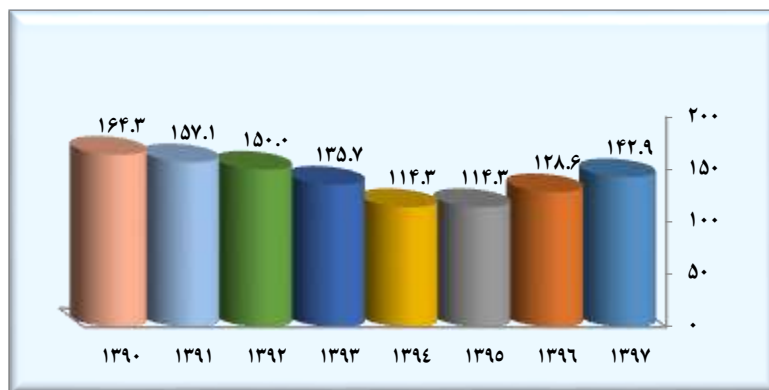
۴. بعد اجتماعی

برخلاف سایر ابعاد که در دوران بعد از برجام شاهد سیر صعودی آنها بودیم، بعد اجتماعی در این دوران سیر نزولی داشت، به گونه‌ای که در سال‌های قبل از برجام، یعنی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ امتیاز این بعد به‌رغم سیر نزولی در سال ۱۳۹۱، در سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن آقای روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور تغییر جهت داد و صعودی شد، ولی این صعود در سال‌های بعد تداوم نیافت و طی سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ سیر نزولی مانند آنچه در نمودار شماره ۷ آمده است را تجربه کرد:



نمودار ۷. میانگین امتیاز بعد اجتماعی محور قدرت-ضعف در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷

البته ثبات امتیازات بعد اجتماعی در سال ۱۳۹۵ نسبت به ۱۳۹۴ را می‌توان نتیجه آشکار شدن تأثیرات برجام ارزیابی کرد؛ زیرا بهبود شاخص‌های اجتماعی تا حد زیادی به میزان رشد اقتصادی بستگی دارد که بر اساس گزارش مرکز آمار در سال ۱۳۹۵ به ۳/۸ درصد رسید و ادامه این روند را باید در بهبود شاخص‌های اجتماعی در سال‌های بعد دید (رضایی قلعه و میلانی‌بناب، ۱۳۹۵: ۱۳۱). در واقع توقف سیر نزولی شاخص‌های اجتماعی طی سال ۱۳۹۵ به‌واسطه رشد اقتصادی نسبی پس از برجام باعث شد امتیازات این بخش در سال‌های بعد هم افزایش یابد و بر محور تهدید-فرصت این بعد نیز تأثیرگذار باشد و شرایطی مانند آنچه در نمودار شماره ۸ آمده را رقم بزند:

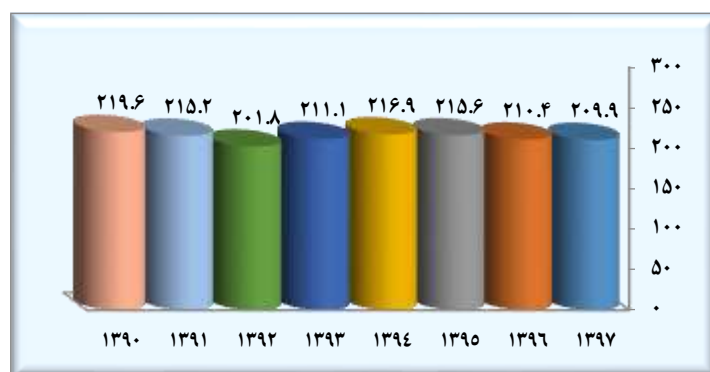


نمودار ۸. میانگین امتیاز بعد اجتماعی محور تهدید-فرصت در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷

افت امتیاز بعد اجتماعی جایگاه راهبردی ایران پس از برجام در هر دو محور بیشتر متأثر از کاهش شاخص سرمایه اجتماعی ایرانیان بوده که سنجش آن همواره با دشواری و ابهام مواجه بوده است (صادقی جقه، ۱۳۹۵: ۲۵۸). پیش‌بینی‌ها حکایت از این داشت که سرمایه اجتماعی ایران پس از برجام به‌واسطه کاهش تنش‌های سیاسی داخلی و افزایش امیدواری عمومی نسبت به حل مشکلات اقتصادی باید دارای سیری صعودی باشد، ولی در سال ۱۳۹۵ فقط سیر نزولی این شاخص متوقف شد و از سال ۱۳۹۶ روند صعود امتیازات این بعد نیز آشکار شد و حتی در سال ۱۳۹۷ هم تداوم یافت. البته درباره پیامدهای اجتماعی برجام ضروری است تأکید شود که برجام در جایگاه عامل رفع‌کننده موانع بیرونی در میان‌مدت و درازمدت اثربخش است، اما اثر آن زمانی معنادار و مشهود می‌شود که موانع داخلی نیز برداشته شوند (فاضلی و جنادله، ۱۳۹۵: ۲۲۶).

۵. بعد علمی و فناوری

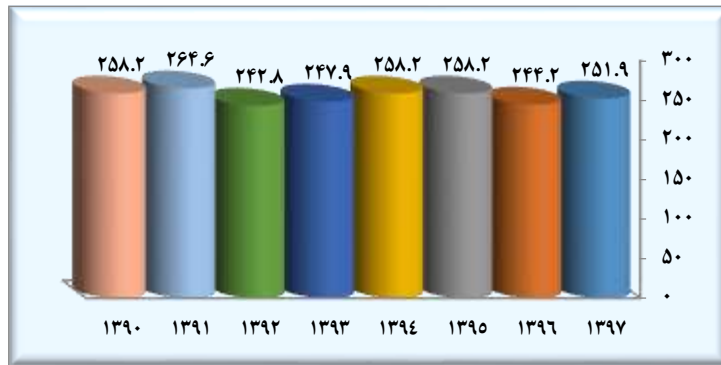
بررسی محور قدرت-ضعف بعد علمی و فناوری نشان می‌دهد که امتیاز این بعد در راستای افزایش تحریم‌ها علیه ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ سیری نزولی داشته است. کاهش امتیاز این بعد طی سال‌های مذکور بیشتر متأثر از کاهش امتیاز شاخص صادرات کالاهای با تکنولوژی بالا بود که به‌دلیل ممنوعیت‌های صادراتی و عدم تبادلات جهانی بر ایران تحمیل شد. در نمودار شماره ۹ میانگین امتیازات محور قدرت-ضعف بعد علمی و فناوری طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ را می‌توان شاهد بود:



نمودار ۹. میانگین امتیاز بعد علمی محور قدرت-ضعف در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷

توسعه صادرات کالاهای با تکنولوژی بالا به واسطه تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ کاهش یافت و این امر باعث شد توسعه فناوری‌ها در ایران به دلیل عدم ارتباطات بین‌المللی همپای کشورهای توسعه‌یافته نباشد و در نتیجه محصولات تولیدشده ایرانی هم‌تراز با تکنولوژی‌های روز تولید نشوند. این تحریم‌ها در عمل حضور ایرانیان در پروژه‌های مهم علم و فناوری را به صفر رسانده بود (ناظمی، ۱۳۹۵: ۳۰۹) که پس از انعقاد برجام و رفع تحریم‌ها، وضعیت علمی ایران نیز تغییر یافت؛ به گونه‌ای که پس از رفع تحریم‌های هسته‌ای، رتبه علمی ایران در جهان با وجود سکونی چند ساله، در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۶) با چهار پله صعود همراه بود (Science Metrix, 2016: 15) و در زمینه مقالات نانو فناوری نیز در تیر ماه ۱۳۹۶ (جولای ۲۰۱۷) ایران بعد از کشورهای چین، آمریکا و هند در رتبه چهارم جهان قرار گرفت (Statnano, 2017) که تا آن زمان بی سابقه بود. این روند نیز متأسفانه از سال ۱۳۹۶ به بعد تحت تأثیر تبلیغات منفی و فشارها و تحریم‌های خارجی دوباره روبه‌تنزل نهاد.

در ارزیابی محور تهدید- فرصت بعد علمی و فناوری طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ نیز شاهدیم که امتیاز ایران در سال ۱۳۹۱ شش پله صعود داشت، اما در سال ۱۳۹۲ با تشدید تحریم‌ها ۲۲ امتیاز تنزل کرد. با وجود این پس از انعقاد توافق وین در سال ۱۳۹۳ شاهد صعود مجدد امتیاز ایران در این بعد بودیم که این صعود در سال ۱۳۹۴ با انعقاد برجام شدت بیشتری یافت و در سال ۱۳۹۵ تثبیت شد، اما تأثیر فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا از سال ۱۳۹۶ دوباره امتیازات این محور را نیز متأثر کرد. در نمودار شماره ۱۰ روند تحول میانگین امتیازات محور تهدید- فرصت بعد علمی و فناوری طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ را می‌توان مشاهده نمود:



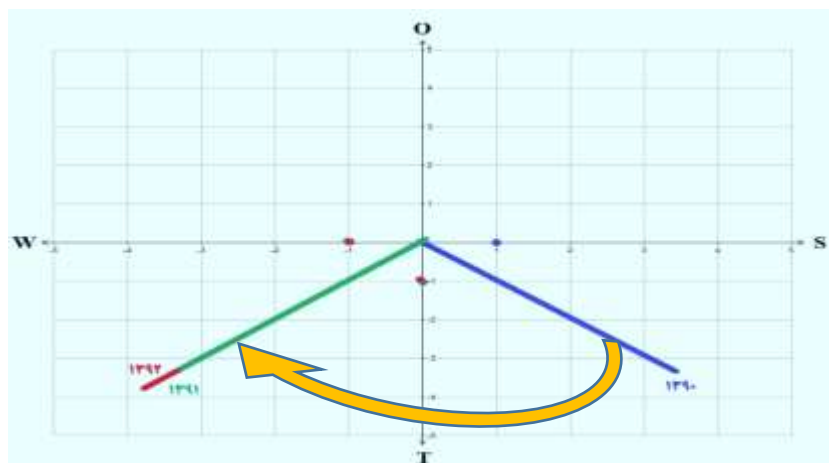
نمودار ۱۰. میانگین امتیاز بعد علمی محور تهدید- فرصت در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷

علاوه بر موارد مذکور، صرف انعقاد برجام نیز حائز اهمیت علمی و فناوری برای ایران است. این توافق موانع حقوقی فعالیت‌های علمی و فنی هسته‌ای در کشور را رفع و همکاری‌های بین‌المللی برای این فعالیت‌ها را تسهیل و تسریع نمود (رضایی پیش‌رباط، ۱۳۹۵: ۳۴۲). برجام همچنین با رفع محدودیت‌ها و تقویت دیپلماسی علمی ایران در منطقه و سطح بین‌المللی باعث افزایش حضور دانشجویان خارجی در کشور شد و در عرصه بین‌المللی نیز فضا را برای حضور محققان و دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی تسهیل و زمینه را برای استفاده از موقعیت‌ها و ظرفیت‌های بین‌المللی برای ارتقای تجهیزات و امکانات مراکز علمی و فناوری و آزمایشگاهی فراهم کرد (اخلاقیان، ۱۳۹۶).

۳-۶. تحلیل تأثیر برجام بر جایگاه راهبردی ایران

با وجود اینکه بررسی جداگانه هر یک از ابعاد پنج‌گانه جایگاه راهبردی ایران در سال‌های قبل و پس از اجرای برجام و همچنین پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از آن به‌خوبی بیانگر تغییر وضعیت کشور در اثر انعقاد و اجرای برجام است، اما مقایسه وضعیت کشور بر اساس مجموع امتیازات دو محور در قالب ماتریس سوات در طول این سال‌ها، آثار و پیامدهای برجام بر جایگاه راهبردی ایران را با وضوح بیشتر نشان می‌دهد.

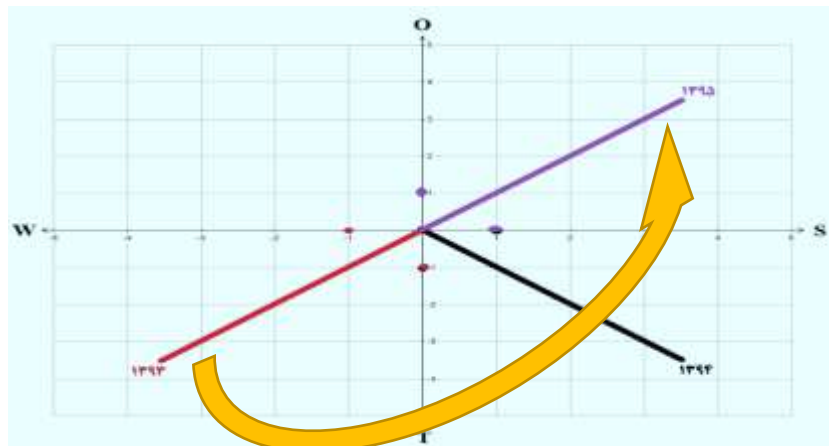
ارزیابی جایگاه راهبردی ایران بر روی ماتریس سوات بر اساس مدل ارائه شده حاکی از آن است که بردار ایران در سال ۱۳۹۰ در محور ST قرار داشت که بیانگر عملکرد مثبت ایران در محور قدرت-ضعف و عملکرد منفی در محور تهدید-فرصت است و گرچه این جایگاه مناسب نبود، اما می توانست با مدیریت درست و رفع تنش ها بهبود یابد. متأسفانه نه تنها در سال ۱۳۹۱ این جایگاه بهبود نیافت؛ بلکه با اعمال فشارها و تحریم های بین المللی بیشتر علیه ایران، تنزل نیز پیدا کرد؛ به گونه ای که عملکرد ایران در سال ۱۳۹۱ در هر دو محور منفی شد و بردار ایران در این سال در محور WT قرار گرفت که بدترین جایگاه از لحاظ راهبردی برای یک کشور است. در سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن آقای روحانی به عنوان رئیس جمهور جدید و شروع مذاکرات هسته ای، به واسطه تغییر چشم انداز، در برخی شاخص ها نیز تغییر صورت گرفت، اما این تغییرات به حدی نبود که باعث تغییر در جایگاه راهبردی ایران شود. در ماتریس سوات زیر، مسیر حرکت بردار ایران در سه سال قبل از انعقاد برجام را می توان مشاهده کرد:



نمودار ۱۱. تغییر جایگاه راهبردی ایران در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ نسبت به ۱۳۹۰ در ماتریس سوات

با ارزیابی وضعیت ایران در پسابرجام که از زمان انعقاد قرارداد وین را در بر می گیرد، می بینیم بردار ایران که در سال ۱۳۹۳ در بخش WT قرار داشت و به معنی غلبه تهدید و ضعف و بیانگر وضعیت وخیم کشور بود، در سال ۱۳۹۴ از وضعیت وخیم گذشته خارج شد و در بخش ST قرار گرفت که به معنی غلبه قدرت و تهدید است. این امر گویای آن است که

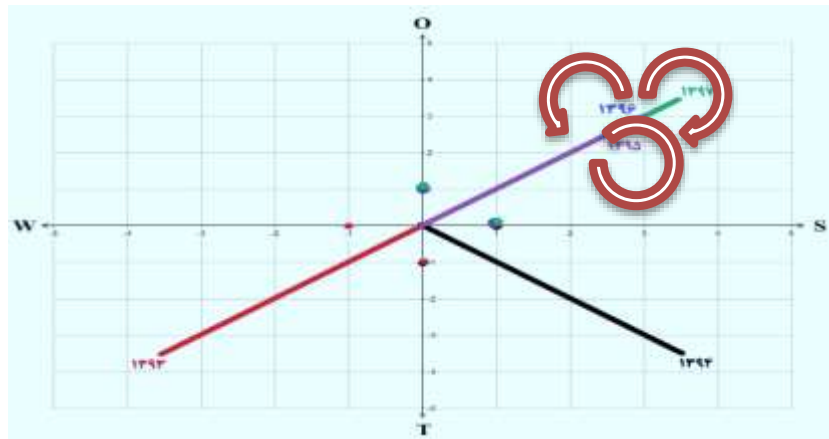
وضعیت ایران در سطح جهانی خوب و در سطح منطقه‌ای بد بود. بر اساس این داده‌ها، در سال ۱۳۹۵ بردار ایران در ناحیه OS قرار گرفت که به معنی غلبه قدرت و فرصت است و این بهترین جایگاهی است که می‌توان برای یک کشور از لحاظ راهبردی متصور بود. در واقع در دو سال پس از برجام، یعنی سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ جایگاه راهبردی ایران با یک جهش درخور توجه از بدترین وضعیت ممکن از لحاظ راهبردی، یعنی از بخش WT در سال ۱۳۹۳ به بهترین وضعیت ممکن یعنی OS در سال ۱۳۹۵ انتقال یافت که بیانگر تأثیر مثبت مذاکرات هسته‌ای و انعقاد برجام بر جایگاه راهبردی ایران بوده است. این تغییر وضعیت و جایگاه ایران را در نمودار شماره ۱۲ به‌خوبی می‌توان مشاهده نمود:



نمودار ۱۲. تغییر جایگاه راهبردی ایران در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ نسبت به ۱۳۹۳ در ماتریس سوات

خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (۸ مه ۲۰۱۸) باعث شکل‌گیری موج جدیدی از فشار و تحریم علیه ایران شد که هرچند یک‌جانبه و فقط از جانب آمریکا بود، اما به دلیل شدت آن و همچنین ایجاد فضای جنگ روانی گسترده توسط سیاستمداران کاخ سفید باعث بروز مشکلات بسیار و کاهش امتیازات ایران در تمامی ابعاد مورد بررسی شد. البته از آنجاکه اول هنوز بیش از یک سال از این وضعیت نگذشته و آثار مخرب وضعیت جدید کاملاً هویدا نشده است، دوم اینکه، به این دلیل که ایران همچنان به حفظ برجام در ارتباط با سایر قدرت‌های جهانی غیر از آمریکا ادامه داد که این خود مانع تغییر بنیادین شد و سوم اینکه، تأثیر

این فشارها و تحریم‌ها بر ابعاد مختلف قدرت ملی ایران فقط در حد کاهش امتیازات آشکار شده است، حداقل تا پایان سال ۱۳۹۷ شاهد تغییر جایگاه راهبردی ایران نبوده‌ایم و جایگاه جمهوری اسلامی ایران بر اساس آنچه در نمودار زیر نشان داده شده است همچنان در ناحیه OS قرار دارد؛ جایگاهی که البته بسیار شکننده و مبهم است و باتوجه به احتمال حفظ یا فروپاشی برج‌ها می‌تواند باعث تثبیت موقعیت ایران در شرایط پس از انعقاد برج‌ها یا بازگشت به جایگاه قبل از مذاکرات منتهی به توافق مانند آنچه در نمودار شماره ۱۳ آمده، شود:



نمودار ۱۳. جایگاه راهبردی ایران در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ نسبت به ۱۳۹۴ در ماتریس سوات

نتیجه‌گیری

در این مقاله به استناد داده‌های کمی و درخور بررسی و آزمون مجدد نشان داده شد که برج‌ها باعث ارتقای جایگاه راهبردی ایران در نظام بین‌الملل شده است. این همان نکته‌ای است که سیاست‌مداران آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز نه‌تنها به آن اذعان می‌کنند، بلکه در عمل کوشیده‌اند از تبدیل تهدیدها به فرصت برای جمهوری اسلامی ایران در نتیجه اجرای برج‌ها جلوگیری کنند. آنها به‌صراحت اعلام می‌کنند برج‌ها دست ایران را برای قدرت‌نمایی و نفوذ بیشتر در منطقه باز کرد و این معنایی جز ارتقای جایگاه راهبردی ایران ندارد. در واقع همچنان که بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای برج‌ها به‌صورت ایجابی نشان داد که انعقاد این توافق

باعث افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران شده است، به صورت سلبی هم می‌توان گفت تلاش آمریکا و صهیونیست‌ها برای فروپاشی آن و زیر فشار قراردادن شرکت‌های صنعتی و مالی برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری در ایران یا بازگرداندن و تشدید تحریم‌های مالی و بانکی و... با هدف محدودکردن قدرت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران پس از برجام، تأییدی بر همین گزاره است. به عبارت دیگر همچنان که وجود برجام باعث ارتقای جایگاه راهبردی ایران و اذعان دشمنان جمهوری اسلامی به آن شده است، تلاش برای از بین بردن آن نیز که با هدف محدودکردن قدرت و نفوذ ایران دنبال می‌شود معنایی جز تأیید گزاره مذکور ندارد و بنابراین برجام چه به حیات خود ادامه دهد و چه از بین برود هم با بود و هم با نبود آن می‌توان گفت تأثیرش بر جایگاه راهبردی ایران انکارناپذیر بوده است.

بررسی و تحلیل جایگاه راهبردی ایران بر اساس ماتریس سوات طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ به وضوح حکایت از اثرگذاری مثبت برجام بر آن دارد. جایگاه ایران که به استناد شاخص‌های مورد بررسی در سال ۱۳۹۰ در بخش ST (قدرت-تهدید) ماتریس سوات قرار داشت، با اوج گرفتن تحریم‌ها روند نزولی یافت و در سال ۱۳۹۱ به بخش WT (ضعف-تهدید) که بدترین جایگاه ممکن برای یک کشور است، تنزل یافت. این وضعیت پس از توافق وین و انعقاد برجام، یعنی در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴ باعث افزایش امتیازات ایران و در نتیجه تغییر جایگاه آن در ماتریس سوات به بخش ST (قدرت-تهدید) شد و نهایتاً در سال ۱۳۹۵ بردار ایران در بهترین جایگاهی که از نظر راهبردی می‌توان برای یک کشور متصور بود، یعنی بخش SO (قدرت-فرصت) قرار گرفت. این وضعیت از سال ۱۳۹۶ با افزایش فشارها و به ویژه از سال ۱۳۹۷ با خروج یک‌جانبه آمریکا و اعمال سیاست فشار حداکثری دوباره با ابهام و تزلزل مواجه شد. البته تأثیر فشار حداکثری آمریکا بر جمهوری اسلامی ایران تا زمان نگارش این مقاله فقط در حد کاهش امتیازات برخی شاخص‌ها خود را نشان داده و هنوز باعث تغییر در جایگاه راهبردی ایران نشده است، اما همچنان که در صورت حفظ برجام میان ایران ۱+۴ احتمال کاسته شدن از آثار روانی خروج آمریکا از این توافق و تثبیت جایگاه کنونی وجود دارد، با فروپاشی برجام به دلیل عدم پایداری دیگر اعضای باقی‌مانده آن، امکان تغییر جایگاه راهبردی کنونی و بازگشت به شرایط قبل از مذاکرات نیز محتمل است.

در واقع سنجش و تحلیل جایگاه راهبردی ایران در دوران قبل و پس از برج‌ام به‌وضوح نشان می‌دهد که هرچند اثرگذاری برج‌ام بر همه ابعاد جایگاه راهبردی ایران یکسان نبوده است، اما به‌صورت کمی و به استناد داده‌های قابل اتکا می‌توان گفت این توافق به‌واسطه رفع تحریم‌ها، آزادکردن سرمایه‌های بلوکه‌شده و ایجاد فضا برای افزایش تعامل بیشتر جمهوری اسلامی با جهان توانست باعث تقویت جایگاه راهبردی ایران در منطقه شود. معنای این گزاره آن است که جمهوری اسلامی ایران بایستی از برج‌ام به‌عنوان یک دستاورد دیپلماتیک نظام حفاظت و حراست کند و اجازه ندهد حتی با نادیده‌گرفتن یا خروج آمریکا از این توافق، شرایط به دوران قبل از برج‌ام برگردد. بدیهی است که دشمنان جمهوری اسلامی ایران از جمله آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی دولتمردان کشورهای عربی خلیج فارس بیشترین تلاش‌ها را برای فروپاشی این توافق و ازبین‌رفتن آثار و پیامدهای مثبت آن به کار گرفته‌اند و نمی‌خواهند اجازه دهند جمهوری اسلامی ایران از فضای مثبت ایجادشده در نتیجه شکل‌گیری برج‌ام به نفع خود و هم‌پیمانان منطقه‌اش استفاده کند، اما مسئولین جمهوری اسلامی در عین پایبندی به منافع ملی و خطوط قرمز نظام، از جمله عزت و اعتبار ملی، باید با تأکید بر دیپلماسی هوشمندانه و بهره‌گیری از همه منابع قدرت داخلی و خارجی مانع از حاکم‌شدن مجدد فضای ایران‌هراسی ناشی از پیشبرد برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شده و امکان بهره‌مندی حداکثری کشور از مزایا و منافع اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی و حتی اجتماعی ناشی از برج‌ام را فراهم کنند.

منابع

- اخلاق‌پور، رضا (۱۳۹۵) «صنعت گردشگری در بازار سرمایه». قابل دسترس در:
<http://donya-e-qtasad.com/news/1045128>
- اخلاقیان، فردین (۱۳۹۶) «برجام در توسعه دیپلماسی علمی کشور تأثیرگذار بود». قابل دسترس در:
<http://www.isna.ir/news/96050402865>
- باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۲) «مقایسه ۱۵ شاخص کلان اقتصاد ایران در ۲ سال گذشته به روایت صندوق بین‌المللی پول». قابل دسترس در:
<http://www.yjc.ir/fa/news/4345796>
- بلوچی، حیدرعلی (۱۳۹۵) «برجام و دستاوردهای آن: موضوعات نظامی و تحلیل‌ها، در کتاب «برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۵۰۴-۴۸۷.
- ترابی، قاسم و علی محمدیان (۱۳۹۴) «تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه از منظر واقع‌گرایی تدافعی»، فصلنامه علمی تخصصی سیاست پژوهی، ۲(۳)، ۶۱-۹۰.
- جلیلی، سعید (۱۳۹۴) «کمسیون ویژه بررسی برجام/ نقد برجام توسط دکتر سعید جلیلی». قابل دسترس در:
<http://kheybaronline.ir/fa/mobile/47578>
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵) «برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جنابان، سید محمد ابراهیم (۱۳۹۵) «پسابرجام و ۳۰۰ میلیون یورو فاینانس برای مترو قم». قابل دسترس در:
<http://www.irna.ir/qom/fa/News/82465091>
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۲) «تحریم؛ ابزار آمریکا برای تغییر محاسبه هسته‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۶(۶۲)، ۱۱۹-۱۵۶.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۴) «پیامدهای راهبردی برجام (فرصت‌ها و تهدیدها)»، در: سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تحولات راهبردی ۱۳۹۴، چشم‌انداز ۱۳۹۵، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۵۰۶-۴۸۷.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۵) «پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام؛ رویکردی راهبردی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره ۷۲، ۱۵۸-۱۳۱.
- دادویی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۵) «چرا روحانی سایه جنگ و تحریم را دور کرد». قابل دسترس در:
<http://baharnews.ir/article/122145>
- دلخوش، علیرضا (۱۳۹۶) «برجام و پسابرجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۱(۱)، ۵۱-۷۳.
- محمدی، مهدی (۱۳۹۳) «تبدیل شدن فردو به تاسیسات تحقیق و توسعه به چه معناست؟» قابل دسترس در:
<http://www.nasimonline.ir/Content/Detail/901167>
- رضاخواه، علیرضا (۱۳۹۴) «برجام و نظم نوین خاورمیانه». قابل دسترس در:
<http://khorasannews.com/newspaper/BlockPrint/18275>
- رضایی‌قلعه، حمید و علی میلانی‌ناب (۱۳۸۵) «استحقاق حق خدمات بهداشتی سلامت و آموزش در کشورهای در حال توسعه»، راهبرد، ۴۲(۱)، ۱۲۲-۱۳۳.

- روحانی، حسن (۱۳۹۵) «برجام دو» با آشتی و همدلی، پیام نوروزی رئیس جمهور». قابل دسترس در:
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950101000032>
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۹) «نقد و تحلیل مدل‌های سنجش قدرت ملی»، ژئوپلیتیک، ۱۷(۶)، ۱۴۹-۱۸۰.
شاپوری، مهدی (۱۳۹۵الف)، وضعیت ایران قبل از توافق هسته‌ای، در کتاب «برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صادقی‌جقه، سعید (۱۳۹۵) سرمایه اجتماعی ایرانیان در آیین مذاکرات هسته‌ای و برجام، در کتاب «برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صفاری‌انارکی، محمد (۱۳۹۴) «عوامل سبب‌ساز واگرایی در روابط ایران و عربستان با تأکید بر فاجعه منا»، پژوهش ملل، ۳(۱)، ۴۷-۳۱.
- عالمی‌نیسی، مسعود (۱۳۹۳) «نقدی بر شیوه بهره‌گیری از ماتریس SWOT در تحقیقات راهبردی توسعه در ایران»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۳(۱۰)، ۳۹-۵۲.
- عباسی، حسن (۱۳۹۵) انتقادات حسن عباسی از برجام و مذاکرات/ باید دلار را از اقتصاد کشور دور کنیم». قابل دسترس در:
<http://www.rouyadad24.ir/fa/news/36685>
- عیوضی، سمانه (۱۳۹۵) «فرجام نامعلوم ژنو ۳: بررسی ابهامات آینده سوریه با حضور موثر ایران». قابل دسترس در:
<http://www.yjc.ir/fa/news/5201775>
- فاضلی، محمد و علی جنادله (۱۳۹۵) تحلیل اجتماعی نسبت افکار عمومی، پرونده هسته‌ای و برجام، در کتاب «برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی (مله)، علی (۱۳۹۵) تأملی بر برجام و دستاوردهای سیاست داخلی، در کتاب «برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۹۵) اثرات برجام بر تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران، در کتاب «برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کمالی، سید تقی (۱۳۹۴) «ارزیابی وضعیت علم و فناوری کشور پس از اجرائی شدن برجام- دیپلماسی علم و فناوری، راهگشای توسعه علمی»، روزنامه شرق، شماره ۲۵۰۱، ۱۱/۱/۱۳۹۴. قابل دسترس در:
<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=3302302&ref=Author>
- لیلاز، سعید (۱۳۹۵) «چند دستاورد مهم دولت یازدهم و برجام». قابل دسترس در:
<http://www.isna.ir/news/95102918437>
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۴) «خطوط قرمز عبوری در توافق وین». قابل دسترس در:
<http://www.zamannews.ir/fa/tiny/news-45557>
- مصطفی‌نژاد، عباس، (۱۳۹۵) «سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان»، فصلنامه سیاست، ۴۶(۴)، ۱۰۸۷-۱۰۶۷.
- نادری‌نسب، پرویز (۱۳۸۹) «چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه»، فصلنامه سیاست، ۱۳(۴۰)، ۳۱۵-۳۳۶.
- ناظمی، امیر (۱۳۹۵) برجام؛ الزام توسعه، نگاهی به تأثیرات روابط خارجی بر علم، فناوری و نوآوری، در کتاب «برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نوازنی، بهرام و دیگران (۱۳۹۴) «ارزیابی محافل غربی از پیامدهای خاورمیانه‌ای برجام برای سیاست خارجی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹(۴)، ۷-۲۶.

یزدان پناه، محمد (۱۳۹۴) «پیامدهای منطقه‌ای برجام برای جمهوری اسلامی ایران». قابل دسترس در:

<http://www.tabnak.ir/fa/news/524900>

Conway, General James (2015), "Assessment of the Joint Comprehensive Plan of Action: Strategic Consequences for U.S. National Security". JINSA's Iran Strategy Council, 14, pp.1-13.

Ilan Goldenberg and Avner Golov (2015). "How Bibi and Obama Can Stop the Drama". Available at: <http://nationalinterest.org/feature/how-bibi-obama-can-stop-the-drama-14291>.

Global Innovation Index (2016), "Global Innovation Reports". Available at: <https://www.globalinnovationindex.org>.

Heritage (2016), "Defense". Available at: <http://www.heritage.org/defense>.

Herzog, Michael (2015), Contextualizing Israeli Concerns about the Iran Nuclear Deal, Policy Notes: The Washington Institute for Near East Policy, No. 26. pp. 1-9.

Knoema (2016), "World Data Atlas". Available at: <https://knoema.com/atlas>.

Legatum (2016), "Legatum Prosperity Index". Available at: <http://www.prosperity.com>.

Savir, Uri (2015), "Rethinking the Middle East's Nuclear Balance". Available at <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/08/israel-iran-us-mideast-nuclear-free-agreement-obama.html>.

Science Metrix (2016), "Bibliometric and Patent Indicators for the Science and Engineering Indicators 2016". Available at: http://www.science-metrix.com/sites/default/files/science-etrix/publications/sciencematrix_comparison_of_2016_bibliometric_indicators_to_2014_indicators.pdf.

Scimago (2016), "Scimago Journal & Country Rank". Available at: <http://www.scimagojr.com>.

Statnano (2017), "ISI Indexed Nano-Articles (Article)". Available at: <http://statnano.com/report/s29>.

Tellis, Ashley J. et.al (2000), Measuring National Power in the Postindustrial Age, New York: Rand .

UNCTAD (2016), "Statistics". Available at: www.unctad.org.

Vision of Humanity (2016), "The Global Peace Index". Available at: <http://visionofhumanity.org>.